فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال دهم، شماره سی‌وهشتم، تابستان ۱۳۹۹
مقاله پژوهشی، صفحات ۲۷-٤۸

معیارهای آسیب‌شناسی اخبار عاشورا در مقاتل عصر قاجار

محمدرضا فلاح گر[۱]
سید محمدحسینی[۲]
علی آقانوری[۳]

چکیده

واقعه‌نگاری عاشورا یکی از موثرترین شیوه‌ها در جهـت پاسداشـت و حفـظ ارزش‌هـای والای حادثه کربلا، همواره در طول تاریخ مورد توجه محققان بوده‌است. آثار عاشـورایی از لحاظ متنی خالی از ضعف نیستند، از این‌رو بررسی صحت و سقم مضمون و محتوای این آثار ضروری است. یکی از دوره‌هایی که به دلیل رشـد بـی‌سـابقه مقتـل نگـاری و همچنین فراوانی آسیب‌های متنی در آثار عاشـورایی، مـورد توجـه قـرار گرفتـه، عصـر حاکمیت قاجاریان است. مسئله اصلی پژوهش حاضر ایـن اسـت کـه چگونـه و بـا چـه روش‌هایی می‌توان به آسیب‌های متنی موجود در مقاتل عصر قاجـار پـی بـرد؟ در ایـن مقاله، معیارو ملاک‌های کارآمد و شفافی به منظور چگونگی تشخیص این آسیب‌هـا در عصر مورد پژوهش، معرّفی و تبیین شده‌است. بر اساس بررسـی‌هـای صـورت گرفتـه، می‌توان گفت که معیارهایی مانند عقل سلیم، شأن و عنصر عزّت طلبی امام حسین علیه‌السلام و اهل بیت علیهم‌السلام، جامعه‌شناسی شهرهای مرتبط با واقعه و باورهای فکری و مذهبی آن عصر از مهمترین ملاک‌های آسیب‌شناسی متنی اخبار عاشورا در مقاتل عصر قاجـار بـه حساب می‌آیند.

کلیدواژه‌ها: تاریخ‌نگاری، تحریفات عاشورا، عاشورا پژوهی، عصر قاجار، مقاتل.

---

۱. دانشجوی دکتری تاریخ تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب قم (نویسنده مسئول). Qazvinu.gmail.com
۲. دکتری تاریخ تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب قم. hiu.sh56@gmail.com
۳. دانشیار گروه تاریخ تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب قم. aghanoori@religionsit.com
تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰٤/۰٦

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.27]

درآمد

قاجاریان (حک. ۱۲۰۹– ۱۳٤٤) از لحاظ سیاسی– اجتماعی با فرازوفرودهای فراوانی همراه بوده‌اند. کشمکش‌های داخلی بر سر جابجایی قدرت، درگیری با حکومت‌های هم‌جوار، سفرهای خارجی بی‌فایده به بهانه‌های مختلف، دریافت قرض‌های کمرشکن از روسیه و انگلیس در مقابل واگذاری مهم‌ترین مراکز درآمد و تقدیم بخش‌های زیادی از خاک میهن به بیگانگان، نتیجه‌ای جز فشارهای روحی و روانی، اقتصادی، فقر، آوارگی، بی‌خانمانی برای جامعه شیعی ایران در پی نداشت.

در چنین شرایطی، حاکمان و درباریان، برای نجات خود از نابسامانی‌ها و مشکلات داخلی و خارجی و هراس از شورش‌های احتمالی بیشتر افراد جامعه، سراغ تأثیرگذارترین و التیام‌بخش‌ترین حادثه تاریخ اسلام که ماهیت آن با فطرت انسان‌ها و روحیه مقاومت و ستم‌ستیزی ایرانیان عجین بود (حادثه کربلا)، رفتند. به‌رغم اینکه دین‌داری و پایبندی‌شان به معارف ناب دینی، چندان از دایره ظواهر و وجه عوامانه دین فراتر نمی‌رفت، به‌طور زائدالوصف و بی‌سابقه‌ای با تمام توان، بانی برگزاری مراسم سوگواری و آیین‌های مذهبی شدند و با استفاده ابزاری از عاشورای حسینی، توانستند تا مدت‌ها از خطراتی که به‌طورجدی تهدیدشان می‌کرد، رهایی یابند.

حادثه عاشورا، از مهم‌ترین رخدادهای تاریخ اسلام، به سبب هویّت بخشی سیاسی، اعتقادی و مذهبی، از جایگاه خاصی برخوردار است. ازاین‌رو، شیعه و حتی سایر گروه‌های اسلامی، اهتمام خاصی به بزرگداشت آن در طول تاریخ داشته‌اند. ثبت و نگارش وقایع عاشورا عمدتاً تا حدود قرن پنجم هجری، با رویکرد تاریخی ادامه داشت. به‌تدریج این تلاش‌ها به‌ویژه در سده‌های میانی در ایران، متأثر از نزدیکی و پیوند تصوّف و تشیع، از روش تاریخ‌نگارانه فاصله گرفته و با رسوخ روش و ادبیات داستانی در آن، وارد مرحله تازه‌ای شده‌است. اواخر عهد تیموری و در دوره صفوی، تحت تأثیر ادبیات داستانی صوفیان، با تألیف کتاب *روضه الشهدای* ملاحسین کاشفی (متوفای ۹۱۰) روش جدیدی در عاشورا نگاری ارائه شد. این نگاشته، طبق پژوهش‌های صورت گرفته، در مقایسه با سایر آثار، از انحرافات بیشتری برخوردار بوده

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.27]

و در واقعه‌نگاری دوره‌های بعدی نیز تأثیر بسزایی گذاشته است (جعفریان، ٤٦٠-٤٠٩). ازاین‌رو با توجه به اهمیت کانونی این رخداد در عرصه‌های مختلف اعتقادی، مذهبی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، ارزیابی چنین منابعی، ضروری می‌نماید. به همین دلیل، محققان با ورود به عرصه سندپژوهی و متن پژوهیِ گزارش‌های نقل‌شده در متون عاشورایی و بررسی تاریخی گزارش‌های برجای‌مانده از این دوره، کمک شایانی به پالایش این آثار کرده‌اند. پژوهش حاضر نیز در راستای تحقّق هدف مذکور و با الهام از تلاش‌های صورت گرفته، می‌کوشد تا با استفاده از معیارهای کارآمد به واکاوی متن اخبار عاشورا در هشت اثر از آثار عاشورایی این دوره پرداخته و پس از شناسایی آسیب‌های متنی موجود در این آثار، مصادیقی از آنها را معرّفی و نمونه‌هایی را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. ازاین‌رو، در بررسی‌های به‌عمل‌آمده، محقّق بر این باور است که آسیب‌های متنی موجود در منابع منتخب، عمدتاً میراث منابع واقعه‌نگاری عاشورا از دوره‌های گذشته بوده‌است و همچنین وجود زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی حاکم بر جامعه، به‌ویژه سیاست پادشاهان و درباریان قاجار، تحت تأثیر باورهای صوفیانه، نسبت به گسترش سنّت‌های عزاداری و اهتمام به برگزاری مراسم روضه‌خوانی و آیین‌های سوگواری عاشورا با تأکید بر رویکرد احساسی، سهل‌انگاری در به‌کارگیری روش‌های صحیح نقل داده‌های تاریخی، فاصله گرفتن از منابع اصیل کهن، دخالت دادن ذوق، سلیقه و باور شخصی، در ورود آسیب‌های متنی فراوان به مقاتل این دوره، تأثیر بسیار داشته است.

در این پژوهش متن، به معنای مجموعه گزارش‌های مربوط به واقعه عاشورا در قالب گزاره‌های تاریخی، روایی و حدیثی اعم از خطبه‌ها، نامه‌ها و مانند اینهاست که در مقتل نگاری‌ها به‌ویژه در مقاتل عصر قاجار مورد استفاده و استناد واقع شده‌است. مقصود از «آسیب‌های متنی» موانع و مشکلات موجود در متن مانند تصحیف، تقطیع، تعارض و نقل به معنا است که وجود آنها خواننده و یا شنونده را نسبت به دریافت پیام اصلی متن با مشکل اساسی مواجه می‌سازد. ازاین‌رو، «آسیب‌شناسی متن» یعنی بررسی و مطالعه موانع و مشکلات موجود در متن اخبار عاشورا و دسته‌بندی آنها به‌منظور شناسایی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.27]

عوامل مؤثر در ایجاد این مشکلات و راه‌های رفع آنها است. بر همین اساس، ملاک‌هایی که بر جداسازی و تشخیص گزارش‌های سره از ناسره در یک متن دلالت می‌کند نیز «معیارهای آسیب‌شناسی» دانسته شده‌است.

آنچه که در این پژوهش مدّنظر است، معرفی معیارهای شفاف و کارآمد است که بتوان با استناد به آنها آسیب‌های متنی را شناسایی و مورد تحلیل قرار داد. گرچه ممکن است برخی از مصادیق، علاوه بر یک معیار با معیارهای دیگر نیز قابل انطباق باشند که به نظر نگارنده، وقوع چنین امری کاملاً طبیعی بوده و به‌هیچ‌روی مُخل به مقصود نیست.

پیشینه پژوهش

با توجّه به بررسی‌های صورت گرفته، اثری مستقل در این حوزه نوشته نشده‌است. با این همه می‌توان به کتاب‌های علی ملاکاظمی (۱۳۹۰ش) با عنوان *گونه‌های نقد و روش‌های حل تعارض در اخبار عاشورایی تا قرن هفتم*، یوسفی غروی (۱۳۹٤ش) با عنوان *آشنایی با منابع تا اسلام و تشیع و روش نقد اخبار* و همچنین رساله‌های دکتری محسن رفعت (۱۳۹٤ش) با عنوان «نقد و بررسی روایات عاشورایی مقاتل امام حسین علیه‌السلام از آغاز تا قرن چهاردهم» و سید محمد حسینی (۱۳۹۷ش) با عنوان «آسیب‌شناسی مطالعات عاشورا از عصر پهلوی تا انقلاب اسلامی»، اشاره کرد. وجه تمایز تحقیق پیش‌رو با این تحقیق‌های انجام شده، آن است که در این پژوهش بصورت تخصصی، آسیب‌های متن اخبار عاشورا در مقاتل عصر قاجار با معیارهای ویژه مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس آسیب‌شناسی مقاتل عصر قاجار با استفاده از معیارهای شفاف و کارآمد، از اهمّیت و ضرورت خاصی برخوردار است.

مقاتل مورد بررسی در مقاله

مقاتل جمع مقتل و به معنای اثر مکتوبی است که به بیان رویدادهای حادثه کربلا از آغاز تا فرجام پرداخته باشد. به دلیل این‌که مقطع زمانی مورد پژوهش در مقایسه با اَدوار گذشته، از لحاظ فراوانی تاریخ‌نگاری عاشورا در اوج قرار دارد، بررسی و نقد همه مقاتل در این مقاله نمی‌گنجد. ازاین‌رو، تنها چند اثر بر مبنای برخورداری از

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.27]

رویکرد یا رویکردهای محرّف، سهل‌انگاری در نقل داده‌های صحیح تاریخی، بهره‌گیری از قواعد و اصول غیر مرتبط با علم تاریخ، تأثیرپذیری از منابع پـر تحریـف، اهتمـام بـه درج نکات و لطایف الهام شده در عـالم خـواب و افـراط در نقـل امـور خـارق‌العـاده، موردبررسی قرار خواهد گرفت. بر این اساس در این پژوهش *مخـزن‌البکـا فـی مصـیبة سیدالشهدا* علیه‌السلام، اثر ملا محمدصالح برغانی (متوفای ۱۲۸۳)، *محرق القلوب فی مصـائب الحسین* علیه‌السلام *و اهل‌بیته* علیهم‌السلام، اثـر مـلا مهـدی نراقـی (متوفـای ۱۲۰۹)، *طوفـان البکـا در مصائب ائمّه اطهـار* علیهم‌السلام *بخصـوص سیدالشـهدا* علیه‌السلام، اثـر محمـدابراهیم بـن محمـدباقر متخلص به جوهری المروی (متوفـای ۱۲۵۳)، *إکسـیر العبـادات فـی أسـرار الشـهادات مشهور به «أسرار الشهاده»*، اثر ملا آقا فاضل دربندی (متوفـای ۱۲۸٦)، *ناسـخ التـواریخ*، اثر میرزا محمدتقی سپهر لسان‌الملک (متوفای ۱۲۵۸)، *الخصـائص الحسـینیه خصـائص الحسین* علیه‌السلام *و مزایا المظلوم*، اثر شیخ جعفر شوشتری (متوفای ۱۳۰۳)، *طریق البکـا* (در مصائب خامس آل عبا)، اثر ملا محمدحسین گریان (متوفای ۱۳۲۲) و *تـذکره الشـهداء*، اثر ملا حبیب شریف کاشانی (متوفای ۳٤۰)، بررسی خواهند شد.

برخی از مقتل نگاران مانند فاضل دربندی و شریف کاشانی به زهد، تقوی، دلـدادگی به ساحت مقدّس امام حسین علیه‌السلام و اهل‌بیت علیهم‌السلام مشهور بودنـد و آثـار دقیقـی در علـم فقه، اصول، فلسفه و کلام تألیف کرده بودند. با این همه این بزرگان برای تـدوین اثـری مفصّل درباره عاشورا با مجوز قاعده «تسامح در ادلـه سـنن» و اصـل «هـدف وسـیله را توجیه می‌کند» با کپی‌برداری از آثار ضعیف به جمع آوری اخبار عاشورا پرداختند. آنهـا که به دنبال جلب رضایت مدّاحان، مرثیه‌خوانان و عوام بودند با تأکیـد بـر رویکردهـای مسیحانه و تعبّد به شهادت، چندان به مصادر کهن و درخـور اعتمـاد تـاریخی مراجعـه نکردند و موجب شدند تا آسیب‌های متنی بسیاری به مقاتل دوره قاجار وارد شـود. بـه سبب شخصیت مورد اعتماد این افراد، این آسیب‌ها بر مقاتل نگاری دورهـای بعـد نیـز بسیار تأثیر گذاشته است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.27]

معیارهای آسیب‌شناسی متن اخبار عاشورا

بیشتر آسیب‌ها و آفات گزارش‌های حادثه عاشورا، مانند دیگر متون حدیثی و تاریخی، مخفی و ناپیدا است. ازاین‌رو، بررسی و جستجوی راه‌هایی که آسیب‌ها و مشکلات موجود در این متون را روشن سازد، ضروری می‌نماید. برای این منظور می‌توان راهکارها و معیارهایی را جهت پیراستن این آسیب‌ها در نظر گرفت. روشن است که معیار، هنگامی ما را از درستی و نادرستی چیزی مطمئن می‌کند که خود حق و مطابق با واقعیت خارجی باشد و هیچ کژی را برنتابد. هراندازه که حق نمایی، راستی و درستی معیار و نیز شفافیت و روشنگری آن افزون‌تر باشد و به‌اصطلاح، قطعی باشد؛ گستره و کاربرد آن برای نقد محتوایی گزارش بیشتر می‌شود (مسعودی، ۲۳٤). با توجه به این مهم، به نظر می‌رسد که آسیب‌شناسی متنی مقاتل عصر قاجار با معیارهای زیر امکان‌پذیر است:

۱- عقل سلیم

عقل در متون دینی، در سه معنای مبدأ ادراکات بشری، اندیشه‌ورزی و نیروی تشخیص خوب و بد، به کار می‌رود (کلینی، ۱/ ۱۸-۲۱). بر این اساس، مقصود از عقل، افزون بر بدیهیات، باورها، مقبولات و مسلّمات عمومی و کلّی همه انسان‌های عاقل است. عقل فطری و سالم که سرشت تشخیصی او، دستخوش انحراف، بیماری و آلودگی نشده باشد (مسعودی، ۲۵۸). عقل، هدیه ویژه خداوند به انسان برای شناخت هستی و کشف پیوند میان اشیا است. عقل می‌تواند به واقعیت خارجی راه یابد. ذهن سالم، تصویرهای منطبق با خارج و حاکی از حقیقت‌های بیرونی می‌سازد و در حقیقت، چنین ذهنی واقع‌نماست. این واقع‌نمایی در سرشت عقل است و نیازمند بیان و اعتبار شارع مقدس نیست. آنچه عقل به آن راه می‌برد، حجیت ذاتی دارد و می‌توان در عقیده و عمل، بدان اعتماد کرد. تا جایی که اگر دریافت عقلی، چنان آشکار و پذیرفتنی باشد که هیچ عاقلی نتواند آن را نادیده بگیرد، ناگزیر باید در آموزه‌های حدیثی و گزارش‌های تاریخی متفاوت با آن، بیندیشیم و چنانچه نتوانستیم با تأویل و تغییر

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.27]

معنایی آن آموزه‌ها، به سازگاری پذیرفته‌شده‌ای دست‌یابیم، به‌ناچار باید آن را حذف و بی‌اعتبار کرد (مسعودی، ۲۵۸). افزون بر این، آموزه‌های دین نیز بر مشروعیت کاربرد عقل در دایره هستی‌شناسی، مهر تأیید زده و حتی بر آن تأکید کرده‌اند. قرآن کریم و روایات، بارها مردم را به تعقّل، تفکّر و تدبّر دعوت کرده‌اند و اگر آموزه‌های دینی، با عقل متعارض بود، دین از این دعوت نه سود، بلکه زیان می‌دید (ر.ک. مائده، ۹۰؛ کلینی، ۱، کتاب العقل و الجهل: ۱٤۰-۱۵۱، ح۱۲).

با این اوصاف، کاربرد عقل در آموزه‌های دینی، مذهبی، از دو سو، یکی از ناحیه خطاپذیری و دیگری از سوی آموزه‌های فراعقلی دین، محدود می‌شود. قرآن و حدیث نیز برخی زمینه‌های خطای عقل در ماده استدلال، مانند گرایش‌های شخصی و اجتماعی، تقلید از گذشتگان، خلط ظنّ و گمان با یقین و برهان را، گوشزد می‌کند (ر.ک. نجم، ۲۳؛ کلینی، کتاب العقل و الجهل: ۱٤۰-۱۵۱). بسط چنین تعریفی در مواجهه با تعینات تاریخی می‌تواند محقق را به تعریفی از عقل در تاریخ برساند. آنچه در این پژوهش از تعریف عقل مورد نظر است، اولاً، عقل مستقل از نقل است و ثانیاً، قوه ادراکی است که می‌تواند میان واقعیت یا وهمیات تمییز دهد. بر این اساس، عقل در مواجهه با یک گزارش، با تکیه بر قطعیات پذیرفته شده که بخشی از آن، تجربه گذشته و بدیهیات پذیرفته شده‌است، با در نظر گرفتن شرایط پیرامونی، به داوری نشسته و آن را تأیید یا رد می‌کند. این نام‌گذاری به اعتبار درگیری مورخ با شواهد تاریخی که در عالم واقع اتفاق افتاده و به‌نوعی برای وی محسوس بوده، لحاظ شده‌است (حسینی، ۲۲).

بر این اساس، گزارش‌هایی مانند عروسی حضرت قاسم با دختر امام حسین علیه‌السلام در آستانه ورود او به میدان نبرد با دشمنان در روز عاشورا (شریف کاشانی، ۲/ ٤۲۱)، ریختن سرهای بی‌تن و تن‌های بی‌سر مانند برگ خزان به خاک میدان نبرد، متواری ساختن سپاه دشمن توسط حضرت عباس پس از قطع شدن دست راست آن حضرت و حمل مشک آب با دوش چپش (جوهری، ٤۹۹)، جاری شدن سیل خون تا رکاب اسب براثر کشته شدن اشرار به دست امام حسین علیه‌السلام پس از شهادت فرزندش علی اکبر (دربندی، ۲ / ۱۱۷)، به قتل رسیدن بیش از ده هزار نفر از دشمنان توسط امام

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.27]

حسین علیه‌السلام از حمله آن حضرت بـر میمنـه و میسـره و قلـب جنـاح دشـمن و خطـاب رسیدن از عالَم بالا که اگر با قوّت امامت جهاد کنی، پس چگونه امروز بـه ملاقـات مـا فائز خواهی شد؟ (نراقی، ٤٨٨)، کشته شدن بیست‌وپنج هزار نفر از سپاه عمر بـن سـعد به دست امام حسین علیه‌السلام در حالت جراحت شدید (شریف کاشانی، ۲/ ۱۱۷)، همچنـین اخبار مربوط به نمایان بـودن چهـار هـزار و صـد و هشـتاد زخـم در بـدن مطهّـر امـام حسین علیه‌السلام (دربندی، ۳ / ۱۷)، مساوی دانستن تعداد زخم‌ها و ضربه‌های بدن مطهر امام حسین علیه‌السلام با تعداد آیات قرآن و یـا مسـاوی دانسـتن تعـداد زخـم‌هـای بـدن پـاک آن حضرت با ١١٤ «بسم‌الله» در قرآن، (شوشـتری، ۲۸۳)، حکایـت عجیـب‌وغریـب غسـل نمودن امام حسین علیه‌السلام در شب شهادتش، با آبی که فرزندش علی‌اکبر برای او آورده بود و سپس وضو ساختن با خـون مطهّـر خـود و انجـام غسـل ترتیبـی و ارتماسـی بـا آن (شوشتری، ٤٧) ازجملـه مـواردی اسـت کـه عمـدتاً باهـدف پررنـگ جلـوه دادن بُعـد حماسی، داستانی و افزودن به شمار کرامات و معجزات امام حسین علیه‌السلام بـه هـر طریـق ممکن، در بیشتر مقاتل این دوره ظهور و بروز یافته است. هیچ عقـل سـلیمی قـادر بـه تجزیه، تحلیل و پذیرش موارد بالا نیست. چراکه برای نمونه، کشتن بیش از ده هـزار و به روایتی بیست‌وپنج هزار نفر در حالت جراحت شدید، از ظرفیت بشری خارج اسـت و انسان در شرایط معمولی امکان محقق کردن چنین واقعه‌ای را ندارد.

۲- عزّت طلبی امام حسین علیه‌السلام و خاندان مطهّرش

شخصیت والای امـام حسـین علیه‌السلام، بـیش از هـر جـا، در قیـام مقـدّس او و در میـان سخنانی که در مسیر حرکت از مدینه تا کربلا و یا در روز عاشورا، ایراد فرموده، تجلـی یافته است. آنچه در هر واژه از سخنان آن حضرت، به‌وضوح قابل‌مشاهده است، کرامت نفس، عزت و غیرتی است که دوست و دشمن را به اعجاب و اعتـراف واداشـته اسـت (رک. طبری، ۵/ ٤٢٥). درواقع، اصل عزّت‌طلبی معصومین علیهم‌السلام به‌ویژه امـام حسـین علیه‌السلام به‌عنوان رهبر نهضت عاشورا، به‌اندازه‌ای کارآمد است که می‌توان آن را در ردیف اصول کلامی شیعه، همانند اصل عصمت، قرار داده و با مسلّم انگاشتن آن، بـه نقـد محتـوایی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.27]

روایات و گزارش‌های موجود در مقاتل پرداخت. و انتساب آنها را به امام علیه‌السلام رد کرد (صفری فروشانی، «عزّت طلبی در نهضت امام حسین علیه‌السلام»، ۱۰۶). عزت طلبی در حادثه عاشورا چنان خودنمایی می‌کند که گویی همه فضای عاشورا حول محور این مهم می‌چرخد. سخن امام حسین علیه‌السلام درباره بیعت نکردن با یزید که فرمود: «والله لا اعطیکم بیدی اعطاء الذلیل و لا افرّ فرار العبید» (طبری، ٤/ ۳۲۳)، به خدا قسم من دست ذلت به دست شما نخواهم داد و مثل بندگان، ذلیلانه فرار نخواهم کرد؛ همچنین، ندای سفیر امام حسین علیه‌السلام، مسلم بن عقیل، در کوچه‌های کوفه که با عزت‌طلبی و آزادگی می‌گفت: «أقسمتُ لا أقتَلُ اِلّا حُرّا و اِن رأیتُ الموتَ شیئا مُرّا» (مسعودی، ۳/ ۵۸)، سوگند خورده‌ام که جز عزیز و آزاد نمیرم، گرچه در این راه مرگ را سخت و تلخ ببینم؛ نمونه بارز عنصر عزّت طلبی آن حضرت و خاندان گرامی‌اش در واقعه عاشوراست. با توجه به این معیار، گزارش‌های مربوط به امام حسین علیه‌السلام، مانند استغاثه آن حضرت در آخرین نفس برای یک قطره آب (شوشتری، ۲۸۵)، ترسیدن امام حسین علیه‌السلام و زرد شدن رنگ چهره‌اش به خاطر مبارزه فرزندش با یکی از فرماندهان سپاه دشمن (دربندی، ۲/ ٦۳۱)، شعر منسوب به امام حسین علیه‌السلام که فرمود: «ای شمر! به این علیل و بیمار و خانواده بدون کفیل من که باید او سرپرستی آنان را بر عهده گیرد، رحم کن» (دربندی، ۲/ ۱۷۵۵ ـ ۱۷٦۲)، منسوب به امام سجاد علیه‌السلام هنگام آمدن به کربلا برای دفن امام حسین علیه‌السلام که: «ای پدر! کاش حاضر بودی و مرا اسیر و ذلیل می دیدی» (دربندی، ۳/ ۲۲٦)، دویدن حضرت زینب علیهاالسلام به سمت قتلگاه با سر و پای‌برهنه و طلب یاری از عمر بن سعد (شوشتری، ۲۸۹)، پریشان کردن مو توسط زنان اهل‌بیت امام علیه‌السلام در زمان مشاهده اسب بی‌صاحب (شریف کاشانی، ۱۵۷)، درخواست معافیت مسلم بن عقیل از امام حسین علیه‌السلام از سفر به کوفه (برغانی، ۳۷۰) و نوحه‌سرایی امّ البنین برای فرزندان شهیدش در قبرستان بقیع، با حضور مروان، والی مدینه و جمع زیادی از مردم (برغانی، ۹۱٦)، ازجمله مصادیقی است که با رویکرد احساسی و عاطفی و برجسته شدن بُعد حزن‌انگیز این واقعه در مقاتل دوره قاجار، به امام حسین علیه‌السلام و خاندانش نسبت داده‌شده است. نسبت دهندگان این مجعولات، به این بهانه که هدف

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.27]

(گریه) وسیله را توجیه می‌کند، یا به لوازم آن توجه نداشته‌اند و یا نخواسته‌اند توجه داشته باشند. درحالی‌که چنین نسبت‌هایی با اصل عزت طلبی و سیره معصومین علیهم‌السلام به‌ویژه امام حسین علیه‌السلام ناسازگار است (رنجبر، ۸۱ ـ ۸۲). برای نمونه، هشتمین و آخرین بیت از اشعار مجعول منسوب به امام حسین علیه‌السلام: «ایا شمر ارحم ذا العلیل و بعده حریما بلا کفیل یلی امرهم بعدی»، که معلوم نیست چه کسی سروده و به امام حسین علیه‌السلام نسبت داده است. برخی مقتل نگاران نیز به سبب بالا بودن بعد احساسی چنین ابیاتی برای تحریک احساسات مردم، این ابیات را در آثار خود آورده و ناخواسته به سبب علیل خواندن امام سجاد علیه‌السلام از زبان امام حسین علیه‌السلام، بدون کفیل خواندن خانواده امام حسین علیه‌السلام باوجود امام زین‌العابدین علیه‌السلام و درخواست ترحم از شمر برای امام سجاد علیه‌السلام و سایر افراد خانواده‌اش، به ساحت مقدّس سیدالشهدا و اهل‌بیت علیهم‌السلام آن حضرت اهانت کرده‌اند.

۳- واقعیت‌های تاریخی

یکی از معیارهای اساسی برای بررسی گزارش‌ها و اخبار تاریخی مربوط به حادثه عاشورا، سازگاری یا ناسازگاری آنها با واقعیت‌های تاریخی است. واقعیت تاریخی، به آن دسته از حوادث و رخدادهای حقیقی اطلاق می‌شود که در زمان و مکان خاص به‌طور قطع و یقین اتفاق افتاده و نسبت به وقوع آنها هیچ شک و تردیدی وجود ندارد. بر این اساس، آن دسته از وقایع تاریخی که نقل آنها در منابع قابل اعتماد، قوت و اعتبار فراوانی داشته و به دلیل تواتر در نقل و عدم ضعف، مورد پذیرش قرارگرفته است، چنانچه اخبار و گزارش‌هایی با این واقعیت‌ها در تضاد باشد، مورد قبول واقع نشده و به‌راحتی کنار گذاشته خواهد شد، هرچند سند آن اخبار صحیح باشد. برای نمونه در کتاب *الدرّ المنثور* از عبدالله بن زبیر نقل شده که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «خداوند خانه خود را بیت عتیق نامید، زیرا از تسلّط جابران، آن را رها ساخته است و پس‌ازآن، هیچ ظالمی بر آن دست نمی‌یابد» (سیوطی، ٤/ ۳۵۷). علامه طباطبایی می‌نویسد: «این سخن، با واقعیت‌های تاریخی سازگار نیست، چراکه افرادی مانند حسین بن نُمَیر، حجاج و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.27]

قرامطه، آن را ویران کردند» (علامه طباطبایی، ١٤/ ٣٧٩). با توجه به این معیار، گزارش حاکی از پرسیدن امام حسین علیه‌السلام از شیر درنده در مورد احوال مردم کوفه در منزلی به نام «قُطقُطانه» و دریافت پاسخ از سوی آن حیوان که دل‌های ایشان با شماست و شمشیرهای آنان بر شما (سپهر کاشانی، ٤ / ٨)، معرفی حضرت عباس به‌عنوان اولین شهید کربلا در روز تاسوعا (دربندی، ٢/ ١٠٩٦)، قرار دادن علی‌اکبر به عنوان آخرین شهید کربلا قبل از امام حسین علیه‌السلام (شریف کاشانی، ٢٧٦ –٢٨٥)، حمل نعش آغشته به خون حضرت عباس به خیمه، توسط امام حسین علیه‌السلام (برغانی، ٥٦٦)، افسانه طِرمّاح بن عدی از بازگشت سرِ مطهّر امام علیه‌السلام به تن شریف او و دیدن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در قتلگاه (سپهر کاشانی، ٢٣٧/٤)، حضور هاشم بن عتبه بن ابی وقّاص (هاشم مِرقال) در کربلا با نیزه هجده ذرعی و کشتن تعداد بسیار زیادی از سپاه دشمن (نراقی، ٣٨٣–٣٨٦)، باخبر شدن فضّه از حضور شیری در حوالی صحنه نبرد و آوردن آن به قتلگاه به‌منظور جلوگیری از تاختن اسب به بدن مطهّر امام حسین علیه‌السلام و منصرف شدن دشمن از این کار با مشاهده آن حیوان در کنار بدن شریف آن حضرت (شریف کاشانی، ٢٦٢/٢) و حکایت به سرقت بردن انگشتر مبارک امام حسین علیه‌السلام با قطع نمودن انگشت آن حضرت توسط بَجدل بن سُلَیم کَلبی (سپهر کاشانی، ٣ / ٩)، ازجمله مصادیقی است که برخی از مقتل نگاران عصر قاجار، به دلیل عدم رعایت سبک تاریخ‌نگاری به معنای توجه به تواتر تاریخی نقل و همچنین حاکمیت رویکرد احساسی، به دنبال جعل گزارش‌ها و تکمیل فرایند داستانی، به نقل چنین اخباری متمسّک شده‌اند، درحالی‌که هیچ‌یک از گزارش‌ها با واقعیت‌های تاریخی سازگاری ندارد. برای نمونه، در مورد به شهادت رسیدن حضرت عباس در روز عاشورا، مقتل نگاران اتّفاق نظر دارند و اختلاف آنها تنها در این است که آیا علمدار کربلا آخرین نفر از بین بنی‌هاشم بود که قبل از امام حسین علیه‌السلام به میدان رفت یا خیر؟ که در پاسخ به این سؤال، دو نوع گزارش در دست است: بر اساس برخی از اخبار، آن حضرت زمانی که چند نفر از بنی‌هاشم شهید شده بودند، به میدان رفت (شیخ مفید، ١٠٩ –١١٠)؛ بنا به برخی دیگر از گزارش‌ها، وی جزو آخرین افراد بنی‌هاشم بود که پیش از امام حسین علیه‌السلام به شهادت رسید

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.27]

(خوارزمی، ۲/ ۳٤ –۳٦). احتمال دارد که دربندی به دلیل این‌که روز تاسوعا از سوی روضه‌خوان‌ها و مداحان به مصیبت‌خوانی حضرت عباس اختصاص‌یافته، خواسته یا ناخواسته این مطلب را با جعل گزارش‌هایی به مقتل افزوده است.

۴- توجه به منابع معتبر

این نوع منابع، به سبب نزدیکی زمان تألیف آنها با وقوع حادثه و گزارش وقایع به نقل از شاهدان عینی، انعکاس ماجرای عاشورا بر اساس ترتیب زمانی حوادث، گزارش متقن و منسجم از واقعه عاشورا، پرهیز از زیاد نویسی، مبالغه و داستان‌سرایی و توجه اندک به مباحث فرا بشری، از اعتبار و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. بر این اساس، می‌توان عمده آثاری را که در دوره زمانی قرن دوم تا پنجم و با اندکی مسامحه حداکثر تا هفتم هجری تألیف شده‌اند، به‌عنوان منابع تاریخی معتبر کهن به‌حساب آورده و از هرگونه اعتماد به منقولات و گزارش‌های منابع پس از این دوره پرهیز کرد. همه نگاشته‌های دوره مذکور نیز از اعتبار یکسانی برخوردار نبوده و طبعاً منابع نزدیک‌تر به زمان وقوع حادثه، از اتقان بیشتری برخوردارند. با توجه به این مبنا، آثاری چون *مقتل الحسین* علیه‌السلام أبومخنف (متوفای ۱۵۷)، *مقتل الحسین* علیه‌السلام هشام بن محمد بن سائب کلبی (متوفای ۲۰٤) از شاگردان ابو مخنف، *أنساب الأشراف* بلاذُری (متوفای ۲۷۹)، *أخبار الطّوال* دینوری (متوفای ۲۸۲)، *تاریخ الرسُل و الامم و الملوک* طبری (متوفای ۳۱۰)، *مقاتل الطالبین* ابوالفرج اصفهانی (متوفای ۳٥٦)، *الارشاد فی معرفه حُجج الله علی العباد* شیخ مفید (متوفای ٤۱۳)، *روضه الواعظین* محمد بن فتّال نیشابوری (متوفای ٥۰۸)، *تذکره الخواص من الامه بذکر خصایص الائمه* سبط ابن جوزی (متوفای ٦٥٤) را می‌توان ازجمله مهم‌ترین منابع تاریخی معتبر کهن به‌حساب آورد. بررسی برخی گزارش‌ها در مقاتل این دوره، محقق را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که گزارش‌هایی مانند قرار دادن افرادی از قبیل «کثیر بن یحیی و محمود هاشمی» (دربندی، ۱ / ۸٤۳–۸٥٤) و همچنین «داود بن طرمّاح و اسد کَلبی» در شمار اصحاب امام حسین علیه‌السلام که در کربلا به شهادت رسیدند (سپهر کاشانی، ۲ / ۳۷۷)، جدا شدن تعداد زیادی، از سپاه امام

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.27]

حسین علیه‌السلام و باقی ماندن خاصّان و خویشاوندان آن حضرت، در شب عاشورا (سپهر کاشانی، ۲/ ۲۲۲)، نجات سلطان قیس هندی از چنگال شیر در هندوستان توسط امام حسین علیه‌السلام در گرماگرم نبرد با دشمنان در روز عاشورا (شریف کاشانی، ۱۸/۲)، ماجرای مربوط به تعارف آب از جانب امام حسین علیه‌السلام و اسبش به همدیگر پس از کنار زدن چهار هزار نفر از مأموران مراقب آب توسط آن حضرت و رساندن خود به شطّ فرات (برغانی، ٦٤١)، سوارشدن شهربانو بر ذوالجناح امام حسین علیه‌السلام و سپردن عنان خود به آن حیوان تا بر اساس فرمایش آن حضرت، وی را به هرکجا که خدا خواهد، برساند (نراقی، ٤٩٢)، به قتل رسیدن چهل نفر از سپاه دشمن، توسط ذوالجناح خسته و مجروح (جوهری، ٦٣٠-٦٣٤)، افسانه ساربان امام حسین علیه‌السلام در مورد به سرقت بردن کمربند قیمتی آن حضرت با بریدن دستان مبارک امام علیه‌السلام (نراقی، ۲۱۸ -۲۲۳) و قیام دختری به نام «دُرّه الصدف» در حلب به انگیزه خون‌خواهی امام حسین علیه‌السلام و بازپس‌گیری سرهای شهدا و آزاد کردن اُسرا از چنگال مأموران یزید هنگام بردن سرها و اُسرا به شام (دربندی، ۲ / ١٦٥٢)، از جمله مطالبی است که به سبب موجود نبودن در منابع کهن، معتبر نیست.چنین گزارش‌هایی باهدف تدوین اثری مفصّل از هرکس و هرکجا و تبدیل امام حسین علیه‌السلام از اُسوه به اسطوره، توسط واقعه‌نگاران عاشورا به مقاتل عصر قاجار راه‌یافته است و تا آنجا که نگارنده این مقاله بررسی کرده است، رد پایی از این مطالب با چنین مضمون و محتوایی، در منابع تاریخی معتبر کهن یافت نمی‌شود. برای نمونه، استفاده از لقب ذوالجناح برای اسب امام حسین علیه‌السلام در گزارش مربوط به کشته شدن چهل نفر از سپاه دشمن توسط ذوالجناح خسته و مجروح، در منابع تاریخی معتبر کهن و حتی در گزارش‌های سپهر کاشانی که مؤلف یکی از پر تحریف‌ترین مقاتل عصر قاجار است، به چشم نمی‌خورد (سپهر کاشانی، ۲ / ٣٦٦).

۵- حسّ و تجربه

محسوسات به‌ویژه مشاهدات، همواره برای انسان در شمار معلومات نخستین و یقین‌های قابل‌اعتماد بوده‌است. ما همه‌روزه بدون هیچ تردیدی بخش عمده محسوسات

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.27]

خود را قابل‌اعتماد دانسته و به آنها عمل می‌کنیم. همچنین امروزه پیشرفت‌های علوم تجربی به‌ویژه علومی مانند شیمی، زیست‌شناسی، فیزیک و پزشکی و ابداع روش‌ها و ابزارهای مدرن، نقش بسزایی در تعیین اصالت و اعتبار اخبار تاریخی ایفا می‌کند. همخوانی یا عدم همخوانی این دانش‌ها با داده‌های تاریخی، می‌تواند روشی مفید و مناسب در اعتباربخشی به گزارش‌های تاریخی باشد. حس و تجربه، همان محدودیت‌های عقل را در مواجهه با گزارش‌های مربوط به مطالب فرا طبیعی دارا هستند؛ بر این اساس، هرگونه گزارش مخالف با معیار مذکور در صورت غیرقابل تأویل بودن، از درجه اعتبار ساقط است، هرچند آن گزارش سند صحیحی داشته باشد. بنابراین، گزارش‌هایی مانند درخواست شیطان از خداوند برای افزودن هفتاد درجه به گرمای خورشید به‌منظور آزمایش میزان صبر امام حسین علیه‌السلام و برآورده شدن مقصود شیطان از جانب خدا و فرار شیطان از عرصه کربلا (دربندی، ۲/ ۱۳۰۵)، گرم نبودن هیچ روزی مانند روز عاشورا از ابتدای دنیا تا قیامت (گریان، ٤٩)، صدا زدن امام حسین علیه‌السلام هر یک از بستگانش را پس از قطع هر عضوی از اعضایش توسط شمر و نالیدن از غربت و کم بودن تعداد یارانش (دربندی، ۱۳۹۷/۲)، پاره کردن بند قنداق توسط طفل شیرخواره و انداختن خود از گهواره به روی زمین هنگام شنیدن استغاثه امام حسین علیه‌السلام (شریف کاشانی، ۱/ ۲۲۰)، تبدیل شتری که برای نوشیدن آب به درّه‌ای رفته بود، به خون (دربندی، ۳/ ۱۰۰)، فرود آمدن جبرئیل امین به صورت مرغ سفید از آسمان و به منقار گرفتن رکاب اسب امام حسین علیه‌السلام برای سوار شدن آن حضرت (شریف کاشانی، ٦/٢)، تبدیل جماد به شکل شیر سنگی در هند و روم و خون گریستن بر امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا، چکیدن خون از نخل زرآباد در قزوین در شب عاشورا (جوهری، ٤٢٥)، داستان مرغ خونین بال و شفای دخترِ کَر، کور، لال، شَل و مبتلا به مرض جزام و سخن گفتن آن مرغ با پدر آن دختر در مورد اصل ماجرا (سپهر کاشانی، ٢٥٣/٤)، از جمله موارد خارق عادتی است که نه‌تنها هیچ سند تاریخی و روایی آن را پشتیبانی نمی‌کند، بلکه با محسوسات و تجربیات بشری به‌هیچ‌روی همخوانی ندارند. به نظر می‌رسد برخی مقتل نگاران با این توجیه که می‌توان موارد

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.27]

مذکور را از باب اثبات کرامات و معجزات مورد بررسی قرار داد، به نقل چنین مطالبی دامن زده‌اند، درحالی‌که توجه نداشته‌اند که امور فرا طبیعی و غیرعادی، در صورتی قابل‌پذیرش هستند که مستند به ادلّه نقلی قطعی و یقینی و محفوف به قرائن و مویّدات تاریخی باشد. در گزارش‌های فرا بشری و ثبوتی، اصل بر عدم پذیرش است، مگر آن‌که دلیل معتبر قطعی و یقینی بر آن اقامه شده باشد. برای نمونه، درخواست شیطان برای افزودن هفتاد درجه به گرمای هوا روز عاشورا در کربلا و فرار او پس از اجابت درخواستش، از جمله مطالب بی‌اساسی است که در هیچ منبع معتبری به آن اشاره نشده‌است. نقل چنین گزارشی، ضمن آن که با قوانین حسّی و تجربی به‌هیچ‌روی سازگاری ندارد، به‌نوعی موجب رواج اباحه‌گری نیز خواهد شد، زیرا هر انسانی به تصوّر این‌که وقتی خداوند بلافاصله درخواست موجود رانده‌شده از درگاه خویش را (شیطان) اجابت می‌کند، پس به طریق أولی درخواست انسان‌ها را نیز بدون جواب نمی‌گذارد. بر این اساس انسان دست به گناه زده و در نهایت با طلب بخشش، مورد عفو قرار می‌گیرد و بدون حساب وارد بهشت می‌شود.

۶- جامعه‌شناسی شهرهای مرتبط با واقعه

یکی از ملاک‌های قابل توجّه در آسیب‌شناسی اخبار وقایع عاشورا که متأسفانه مورد غفلت واقع شده، تحلیل حادثه کربلا بر اساس اوضاع حاکم بر دو شهر درگیر این واقعه، یعنی کوفه و شام است. بر این اساس، بررسی موقعیت جغرافیایی، جمعیت، قبایل، آداب‌ورسوم، ادیان و مذاهب، قومیّت‌ها، اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این شهرها ضروری می‌نماید. با این اطلاعات می‌توان آمار تقریبی لشکر عمر بن سعد و اصحاب امام حسین علیه‌السلام، تعداد کوفیان سپاه دشمن، وجود شیعیان علوی یا عثمانی در سپاه دشمن و علت بیعت شکنی کوفیان را مورد بررسی قرار داد. با چنین معیاری می‌توان به برخی از آسیب‌های متنی موجود در مقاتل پی برد. بر اساس این معیار، گزارش‌های مربوط به اعلام آمار لشکر عمر بن سعد به تعداد پانصد هزار نفر (دربندی، ۲ / ۱۳٦٤)، کشته شدن سیصد و سی هزار نفر از لشکر دشمن به دست امام حسین علیه‌السلام

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.27]

در روز عاشورا (شـریف کاشـانی، ۱ / ٥٦)، گرفتـار شـدن امـام حسـین علیه‌السلام در مقابـل یک‌صد و بیست و دو هزار نفر (گریان، ٦١)، به هلاکت رسیدن سپاهِ بـالغ بـر صـدهزار نفری دشمن به دست علی‌اکبر (شریف کاشانی، ۱/ ٤٨٦)، فرمایش امام حسین علیه‌السلام پـس از شهادت فرزندش علی‌اکبر که بکشید دشمنان خدا را، پس یک‌صد هـزار تـن از آنهـا مردند (دربندی، ۵۳۷/۲)، همچنین اخبار مربوط به حضور شـامیان در کـربلا، از جملـه حضور سمعان بن مقاتل از اُمرای حلب با هزار سوار در کربلا، به‌منظور یاری ابن زیـاد و پس از وی، حضور برادرش نعمان با هزار سوار و حملـه‌ور شـدن بـه هاشـم مرقـال (نراقی، ۲۸۳)، درخواست ابن سعد از ازرق شامی، سپهسالار لشکر شام برای مبـارزه بـا حضرت قاسم (نراقی، ٤١٦)، از جمله مصادیقی است که با جغرافیای شهری کوفـه کـه مرکز خلافت و محل پشتیبانی لشکر حاضر در کربلا بود، سـازگاری نـدارد. ایـن عـدم ناسازگاری را می‌توان از مجموع گزارش‌های موجود در منابع تـاریخی همچـون *تـاریخ طبری* که درباره ساختار شهری کوفه گزارش‌هایی را ارائه کرده اسـت، بـه دسـت آورد (طبری، ٤/ ٤٤-٤٨). همچنـین گـزارش مربـوط بـه برپـایی مجلـس عـزا در هریـک از خانه‌های شامیان با اجازه یزید و جزء جزء نمودن قرآن به‌منظور تـلاوت آن در مسـاجد توسط هریک از افراد، به دستور یزید (شریف کاشانی، ۲/ ٤٤١)، از مواردی است که بـا اوضاع حاکم بر شام در طول سال‌های طولانی خلافـت معاویـه و جامعـه‌شناسـی ایـن سرزمین سازگاری ندارد (کردعلی، ۱/ ۱۰۰). اگرچه تأثیر روشنگری‌های امام سـجاد علیه‌السلام و حضرت زینب علیهاالسلام بر تعداد اندکی از شامیان و در نتیجـه عـزاداری خودجـوش آنـان برکشتگان کربلا، قابل‌انکار نیست. با این حال برخـی از مقتـل نگـاران عصـر قاجـار بـا هدف برجسته نمودن بُعد حماسی و عـاطفی واقعـه عاشـورا، بـدون مطالعـه و بررسـی اوضاع حاکم بر جامعه کوفه و شام در عصر وقوع حادثه، به جعل چنین گـزارش‌هـایی در آثار خود اقدام کرده و ناخواسته به تبرئه عامل اصلی این جنایات هولناک یعنی یزیـد پرداختند. برای نمونه، حضور سمعان از اُمرای حلب و پس از وی بـرادرش نعمـان بـه همراه هزار سوار و حمله‌ور شدن به هاشم مرقال از جمله مواردی است کـه بـا اوضـاع حاکم بر کوفه همخوانی ندارد؛ چرا که در زمان حضور عبیدالله بـن زیـاد در ایـن شـهر

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.27]

حدود صد هزار نیروی جنگی وجود داشت که تقریباً سی هـزار نفـر از آنـان در لشـکر عمر بن سعد حضور پیدا کرده بودند (ر.ک. صـفری فروشـانی، «مـردم شناسـی کوفـه»، ۱۷). بر این اساس، از فردی سیاست‌مدار و کارکشته چون عبیدالله بسیار بعید اسـت کـه حتی برای حفظ موقعیت خود شده، برای مقابله با کمتر از صد نفر از شـام درخواسـت نیرو کرده باشد. در منابعی که به حضور شامیان در سپاه دشمن اشاره‌کرده‌انـد (صـدوق، ۱۳۸؛ کلینی، ٤/ ۷)، با توجه به استفاده از واژه «اهل شام» در گزارش‌های آنهـا، بـه نظـر می‌رسد که مقصود از آن کوفیان شامی مذهب یا شامیان کوفه بـوده‌اسـت کـه ایـن امـر اشاره به ماهیت سیاسی برخی از افرادِ عمر بن سعد دارد. گرچه حضور برخـی از افـراد شامی در لشکر دشمن که به دلایلی به کوفه سفرکرده بودنـد، دور از ذهـن نیسـت؛ امـا حضور سران و فرماندهان شامی در کربلا، قطعاً منتفی است.

۷- باورهای فکری و مذهبی

برخی از ارباب مقاتل، از لحاظ علمی برجسته و صاحب‌نظر بـوده و آثـار متعـددی در رشته‌های مختلف، با نهایت وسواس و دقت علمی، از خود به‌جای گذاشته‌اند کـه برخـی از این آثار در حال حاضر نیز مورد استفاده متخصصین است. اما همین افراد موثـق بنـا بـه دلایلی چون ملاحظه اوضاع و شرایط حاکمان و درباریان، دخالت دادن باورهای مـذهبی، فکری و اعمال ذوق و سلیقه شخصی و یا پیروی از باورهای فکری، مذهبیِ ارباب مقاتـل دوره‌های گذشته و تأیید منویّات آنان، در عرصه واقعه‌نگاری عاشورا برخلاف نگاشته‌های فقهی خود، خوش ندرخشیده و مقاتل پرآسیبی را از خـود بـه یادگـار گذاشـته‌انـد. بـرای اثبات این امر، کافی است که آثار فقهی برخی از فقیهان دوره مورد پـژوهش ازجملـه مـلا مهدی نراقی، فاضل دربندی و شریف کاشانی را با دقت مورد بررسی و مطالعه قـرار داد و آنها را با آثار ایشان درباره امام حسین علیه‌السلام و حادثه عاشورا، مقایسه کرد. در چنـین حـالتی تفاوت‌های فاحشی بین نگاشته‌های فقهی و تاریخی آنها بروز خواهد کرد. بر اسـاس ایـن معیار، گزارش‌هایی مانند آفریده شدن جهان و تمام موجودات آن، تنها برای تعزیه و اقامـه عزای امام حسین علیه‌السلام (دربندی، ۵/۱)، راضی شـدن امـام حسـین علیه‌السلام بـه شـهادت، بـرای

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.27]

رسیدن به شفاعت کبری که مقتضی استخلاص همه محبّان و موالیان است (نراقی، ۳)، دست از محاربه کشیدن امام حسین علیه‌السلام هنگام شنیدن ندای آسمانی «یا ایها الذین آمنو اوفوا بالعقود» ای حسین! اگر با این شجاعت بخواهی قتال کنی، احدی را زنده نخواهی گذاشت پس چه کسی تو را خواهد کشت و چه کسی فردای قیامت گناهکاران امتش را شفاعت خواهد کرد؟ (شریف کاشانی، ۲/ ۱۲)، خبر مربوط به امتناع ذوالجناح از راه رفتن، هنگام سوارشدن امام حسین علیه‌السلام بر آن حیوان، مگر آن‌که در قیامت، حضرت بر آن سوار شده و امّت گناهکار را شفاعت کند! (شریف کاشانی، ۱/ ۳۱۲)، آب آوردن مرد درویش برای امام حسین علیه‌السلام با کشکول به محض شنیدن استغاثه آن حضرت (گریان، ٤٩٦)، استغاثه امام حسین علیه‌السلام از شهیدان زنده‌دل و گلایه آن حضرت از آنان به خاطر پاسخ ندادن آنها و انتساب این عمل به رفتار خدعه آمیز روزگار خیانت‌پیشه با آنان (شریف کاشانی، ۲/ ۳۷۷)، ماجرای شگفت آور سر به چوبه محمل کوبیدن حضرت زینب علیهاالسلام و جاری شدن خون از زیر مقنعه و معجرش (دربندی، ۲/ ۱۵۵۹)، مقایسه بدن مطهّر امام حسین علیه‌السلام با قرآن، در برخورداری از اجزاء، سوره‌ها، آیه‌ها، سطرها، کلمه‌ها، حرف‌ها، نقطه‌ها و اعراب براثر اجتماع سطر شمشیرها، کلمات نیزه‌ها، نقطه تیرها و اعراب آنها (شوشتری، ۲۸۳)، از جمله مواردی است که بر مبنای الهامات خاص و بر اساس رویکرد احساسی، برداشتِ فدا گونه، اباحه‌گرایانه، جبر گونه، اسطوره‌ای و همچنین تجویز قاعده «تسامح در ادله سنن» از سوی واقعه‌نگاران عاشورا، به مقاتل عصر مورد پژوهش راه یافته و آثار زیانباری برجای گذاشته است. از مهمترین این آثار زیانبار می‌توان به اینها اشاره کرد: مخدوش و وارونه جلوه دادن حکمت و اهداف امام حسین علیه‌السلام، جرأت یافتن مجرمان و گناهکاران بر گناهان بیشتر و بدتر به بهانه شفاعتشان در قیامت و ورود بدون حساب‌وکتاب به بهشت، ایجاد بی‌انگیزگی و روحیه سستی و بی‌علاقگی در میان صالحان و نکوکاران و واداشتن غیرمسلمانان به اظهارنظرهای محرّف و نادرست درباره مسأله شفاعت (رنجبر، ۲۹۱)، تبلیغ مسلک صوفیانه و ترویج آیین‌های خرافه‌ای به‌ویژه قمه‌زنی و تبرئه تلویحی عاملان و مسبّبان واقعه کربلا. برای نمونه، ماجرای سر به چوبه محمل کوبیدن حضرت زینب علیهاالسلام و جاری شدن خون از زیر مقنعه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.27]

و معجرش، بهترین بهانه برای توجیه اعمال نامعقول و غیرمنطقی قمه زنان شده است. طرفداران این آیین می‌گویند اگر قمه‌زنی جایز نیست، پس چرا حضرت زینب علیها السلام سرش را به چوبه محمل کوفت و سر و صورتش را آغشته به خون کرد؟ مگر امام سجاد علیه السلام همراه زینب نبود و این اقدام عمّه‌اش را ندید؟ اگر سر شکافتن حرام است پس چرا امام علیه السلام به این کار عمّه‌اش اعتراض نکرد؟ آیا سکوت امام معصوم علیه السلام در اینجا نمی‌تواند این عمل را تأیید و تقریر کند؟ (صحتی سردرودی، ۱۳۸).

نتیجه

واقعه‌نگاری عاشورا یکی از مؤثرترین شیوه‌ها در جهت پاسداشت و حفظ ارزش های والای حادثه کربلا، همواره در طول تاریخ موردتوجه محققان تاریخ اسلامی و تشیع بوده‌است. آثار عاشورایی از جهت مضمون و محتوا عاری از ضعف و سستی نیستند، امّا در عصر قاجار، بنا به دلایلی مانند تأثیرپذیری از سبک واقعه نگاری دوره صفویه به‌ویژه کتاب *روضه الشهدای* ملا حسینی کاشفی، وجود زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی به‌ویژه سیاست حاکمان قاجار نسبت به گسترش سنت‌های عزاداری عاشورا با تأکید بر رویکرد احساسی، سهل‌انگاری در به‌کارگیری روش‌های صحیح نقل و ثبت داده های تاریخی، فاصله گرفتن از منابع اصیل کهن، دخالت دادن ذوق، سلیقه و باورهای شخصی، به طرز چشم‌گیری بر دامنه آسیب‌های متنی در مقاتل افزوده شده‌است. چنین آسیب‌هایی با معیارها و ملاک‌هایی قابل‌شناسایی هستند. در این تحقیق، هشت مقتل با عناوین *مخزن البکا*، *محرق القلوب*، *طوفان البکا*، *اکسیر العباده*، *ناسخ التواریخ*، *خصائص الحسینیه*، *طریق البکا* و *تذکره الشهدا*، به دلایلی چون برخورداری از رویکرد یا رویکردهای خاص، بهره‌گیری از قواعد و اصول غیر مرتبط با علم تاریخ، دغدغه‌مندی تدوین اثری مفصل، تأثیرپذیری از آثار ضعیف دیگران و افراط در نقل معجزه و کرامت، مورد ارزیابی قرار گرفتند و به نمونه‌هایی از آسیب‌های متنی موجود در آنها اشاره شده‌است. در بین آثار ذکر شده، کتاب *اسرار العباده* فاضل دربندی و *تذکره الشهدای* شریف کاشانی بنا به دلایلی مانند دغدغه‌مندی تدوین اثری مفصّل،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.27]

تجویز قاعده «تسامح در ادله سنن»، اصل «هدف وسیله را توجیه می‌کند»، با کپی‌برداری از آثار ضعیف به جمع آوری اخبار عاشورا پرداختند. آنها که بـه دنبـال جلـب رضـایت مدّاحان، مرثیه‌خوانان و عوام بودند با تأکید بر رویکردهای مسیحانه و تعبّد به شـهادت، چندان به مصادر کهن و درخور اعتماد تـاریخی مراجعـه نکردنـد و موجـب شـدند تـا آسیب‌های متنی بسیاری به مقاتـل دوره قاجـار وارد شـود. آسـیب‌هـای متنـی اخبـار و گزارش‌های موجود در مقاتل منتخب این عصر، با استفاده از معیار عقل سـلیم، حـسّ و تجربه، عنصر عزت طلبی امام حسین علیه‌السلام و خاندانش، انطباق با واقعیت‌های تـاریخی و باورهای فکری و مذهبی، مقایسه با گزارش‌های منابع تاریخی معتبر کهن و بهـره‌گیـری از جامعه‌شناسی کوفه و شام قابل‌شناسایی هستند.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.27]

منابع

ـ قرآن کریم.

ـ برغانی، ملّا محمد صالح، مخزن البکا فی مصیبه سیدالشهدا، تحقیق مجتبی خورشیدی، قم، طوبای محبت، ۱۳۹۴ش.

ـ جعفریان، رسول، تامّلی در نهضت عاشورا، تهران، نشر علم، ۱۳۹۱ش.

ـ جوهری مروزی، محمدابراهیم بن محمدباقر، طوفان البکاء در مصائب ائمّه اطهار بخصوص سید الشهداء علیه السلام ، تحقیق و تصحیح عبدالله قربان پور دلاور، قم، طوبای محبّت، ۱۳۹۵ش.

ـ حسینی، سید محمد، «آسیب‌شناسی مطالعات عاشورا (از پهلوی اول تا انقلاب اسلامی)»، رساله دکتری، استاد راهنما نعمت‌الله صفری فروشانی، دانشگاه ادیان و مذاهب (دانشکده شیعه شناسی)، ۱۳۹۷ش.

ـ خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین علیه السلام ، تحقیق محمد سماوی، چاپ ششم، قم، دار انوارالهدی، ۱۴۱۸.

ـ دربندی، آقا بن عابد، اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات، ترجمه حسین شریعتمداری تبریزی، قم، طوبای محبت، ۱۳۹۲ش.

ـ رفعت، محسن، «نقد و بررسی روایات عاشورایی مقاتل امام حسین علیه السلام از آغاز تا پایان»، استاد راهنما: محمد کاظم رحمان ستایش، دانشگاه قم (دانشکده الهیات و معارف اسلامی)، رساله دکتری، ۱۳۹۴ش.

ـ رنجبر، محسن، جریان شناسی تاریخی قرائت‌ها و رویکردهای عاشورا از صفویه تا مشروطه (با تأکید بر مقاتل)، قم، انتشارات مؤسّسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹ش.

ـ سپهر کاشانی، میرزا محمدتقی، ناسخ التواریخ، تهران، مؤسسه کتاب‌فروشی اسلامیه، ۱۳۳٦ش.

ـ سیوطی، جلال الدّین، الجامع الصّغیر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱.

ـ شریف کاشانی، ملا حبیب‌الله، تذکره الشهدا، تهران، شمس الضحی، ۱۳۹۳ش.

ـ شوشتری، جعفر بن حسین، الخصائص الحسینیه، ترجمه محمدحسین شهرستانی، چاپ اول، مشهد، مؤسسه فرهنگی و انتشارات استوار، ۱۳۹۱.

ـ شیخ مفید، محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ سیزدهم، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳ش.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.27]

ـ صحتّی سردرودی، محمد، تحریف شناسی عاشورا و تاریخ امام حسین علیه‌السلام ، چاپ سوم، تهـران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۹ش.
ـ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، کمال الدّین و تمام النعمـه، تصـحیح علی‌اکبر غفاری، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۲۶.
ـ صفری فروشانی، نعمت‌الله، «عزّت طلبی در نهضت امام علیه‌السلام »، مجلّه حکومت اسلامی، شمارهٔ ۲۶، زمستان ۱۳۸۱ش.
ـ صـفری فروشـانی، نعمت‌اللـه، «مردم‌شناسـی کوفـه»، فصـلنامه مشـکوه، شـماره ۵۳، زمسـتان ۱۳۷۵ش.
ـ طبری، ابوجعفر محمد بن جریر بن رستم، تـاریخ الأمـم و الملـوک، تحقیـق محمـد ابوالفضـل ابراهیم، چاپ اول، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷.
ـ علامه طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، تهران، انتشارات محمدی، ۱۳۶۲ش.
ـ کردعلی، محمد، خطط الشام، بیروت، دارالعلم للملایین، بی‌تا.
ـ کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تصحیح و تعلیق علی‌اکبـر غفـاری، چـاپ هفـتم، بیـروت، دار صعب و دار التعارف، ۱۴۱۰.
ـ گریان، ملا محمدحسین، طریـق البکـاء در مصـائب آل عبـا۷، چـاپ دوّم، قـم، وحـدت‌بخش، ۱۳۹۲ش.
ـ مسعودی، عبدالهادی، وضع و نقد حدیث، چاپ دوم، تهران، وزارت فرهنـگ و ارشـاد اسـلامی، ۱۳۸۹ش.
ـ ملا کاظمی، علی، گونـه‌های نقـد و روش‌هـای حـل تعـارض در اخبـار عاشـورا (تـا قـرن هفـتم هجری)، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام ، ۱۳۹۰ش.
ـ نراقی، ملّا محمدمهدی، محرق القلوب (غم‌های جانسوز)، به اهتمام علی نظـری منفـرد، چـاپ چهارم، قم، انتشارات سرور، ۱۳۹۳ش.
ـ یوسفی غروی، محمد هادی، آشنایی با منابع تاریخ اسلام و تشـیع بـه روش نقـد اخبـار، تحقیـق ساجده یوسفی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۴ش.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.52547/isihistory.1.38.27]